

## دیدگاه اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی درباره حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی

هادی شریف‌مقدم<sup>1</sup>

انیس میری<sup>2</sup>

مریم سلامی<sup>3</sup>

تاریخ دریافت: 97/03/14

تاریخ پذیرش: 97/04/10

### چکیده

زمینه و هدف/ مقاله حاضر، با هدف تعیین ضرورت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی از دیدگاه هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تدوین شده است. روش/ رویکرد پژوهش، این مطالعه کیفی، از نوع گراند تئوری بود. روش اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته فردی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس تحلیل سه سطح کدگذاری اشتراوس و کوربین که شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است و با استفاده از نرم افزار MAX QDA صورت گرفت. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد و معیار اصلی پژوهشگر در خصوص تعداد مصاحبه‌ها رسیدن به اشباع نظری بود. یافته‌ها/ تحلیل حاصل از داده‌ها، منجر به استخراج 5 طبقه 13 زیر طبقه و 65 طبقه اولیه گردید. مفهوم مرکزی پژوهش، با عنوان «جامعه‌پذیری علمی» شکل گرفت. جامعه‌پذیری علمی «روح علمی نهفته در مناسبات اجتماعی را تداعی می‌کند که طی فرآیند جامعه‌پذیری به اعضای جامعه منتقل می‌گردد. نتیجه‌گیری: مفهوم مرکزی پژوهش، با عنوان «جامعه‌پذیری علمی» شکل گرفت. جامعه‌پذیری علمی «روح علمی نهفته در مناسبات اجتماعی را تداعی می‌کند که طی فرآیند جامعه‌پذیری به اعضای جامعه منتقل می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی علمی، اعضای هیأت علمی، جامعه‌پذیری علمی، گراند تئوری

<sup>1</sup> استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، مرکز مشهد [sh\\_mogadam@pnu.ac.ir](mailto:sh_mogadam@pnu.ac.ir)

<sup>2</sup> دانشجوی دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، مرکز مشهد (نویسنده مسئول) [anismiri1352@gmail.com](mailto:anismiri1352@gmail.com)

<sup>3</sup> عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، مرکز تربت حیدریه [salamilib@yahoo.com](mailto:salamilib@yahoo.com)

ارتباط و تعامل همواره در جوامع علمی مطرح بوده است. اما ظهور و گسترش استفاده از اینترنت، پارادایم جدیدی از ارتباطات و تعاملات اینترنتی به وجود آمده است که رسانه‌ی اجتماعی خوانده می‌شود. این رسانه‌ها تعامل بین کاربران را تسهیل کرده است و در حقیقت سکوی جدیدی را برای همکاری و مشارکت بین کاربران ایجاد کرده است. این شبکه‌ها را در یک دسته بندی کلی می‌توان به دو گروه عمومی نظیر فیسبوک، توییتر و ... و شبکه‌های تخصصی نظیر: ریسرچ گیت<sup>1</sup>، مندلی<sup>2</sup> و آکادمیا<sup>3</sup> تقسیم بندی نمود. شبکه‌های اجتماعی علمی جزو شبکه‌های تخصصی محسوب می‌شوند و می‌توانند قابلیت‌های اساسی را برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی محققان ارائه کنند. این نوع از شبکه‌های اجتماعی، مجراهای اطلاع‌یابی را در جهت آموزش، متنوع و گسترده می‌سازند. به گونه‌ای که افراد می‌توانند بدون صرف وقت و هزینه با متخصصان و پژوهشگران رشته‌های مختلف در تعامل باشند و اطلاعات و دانش مورد نیاز خود را سریع‌تر و آسان‌تر به دست آورند. از این رو، امروزه با افزایش حجم متون علمی و لزوم روزآمد سازی پژوهشگران در حوزه‌های تخصصی خود، تمایل پژوهشگران به استفاده از رسانه‌های اجتماعی علمی که امکان طبقه بندی، به اشتراک گذاری و تفسیر اطلاعات علمی را فراهم می‌کنند بیشتر شده است (لی<sup>4</sup> و همکاران، 2012). فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی موجب افزایش تعاملات علمی پژوهشگران و بهره‌گیری از خرد جمعی و در نتیجه ارتقای علمی می‌شود. از دیگر مزایای فعالیت در این شبکه‌ها، افزایش میزان رویت پذیری مقالات و تولیدات علمی اعضاست و این در حالی است که میزان رویت پذیری تولیدات علمی از شاخص‌های تعیین کننده توسعه علمی در کشورها محسوب می‌شود. از سوی دیگر، جامعه علمی نیازمند ایجاد نوعی گفتمان علمی و خاص است که این نوع گفتمان در جریان تعامل و همفکری گروه‌های علمی به وجود می‌آید. مجامع علمی چه به صورت مجازی و چه به صورت غیر مجازی به شرکت کنندگان خود شور علمی و روحیه علم‌گرایی و تفکر علمی را منتقل می‌کنند. این گونه فعالیت‌های علمی در کشور ما که در مسیر توسعه علمی گام برمی‌دارد؛ برای افرادی که دارای جایگاه علمی و پژوهشی هستند؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما علی‌رغم اهمیت شبکه‌های اجتماعی علمی و نیاز کشور به فعالیت در این فضاها، تعاملی به نظر می‌رسد این فن‌آوری جایگاه خود را آن‌چنان که شایسته است؛ حتی در میان اعضای هیات علمی نیز، باز نکرده است از این رو انتظار می‌رود؛ رشته‌هایی که عهده دار ذخیره، سازماندهی و

---

1 - Riccard Gate

2 -Mandelay

3 Accademia

4 -Lee

اشاعه علوم مختلف هستند؛ از جمله رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی بیش از سایر رشته‌ها در این عرصه فعال باشند و پژوهشگران و اساتید این رشته با حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی علمی زمینه حضور پژوهشگران سایر رشته‌ها را در این شبکه‌ها فراهم آورند. لذا، این نیاز احساس می‌شود که ضرورت‌ها، موانع و راهکارهای فعالیت اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد و به این سوالات که با توجه به شرایط موجود، اساتید این رشته برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی چه دلایلی دارند؛ با چه موانعی مواجه هستند و چگونه می‌توانند بر موانع فعالیت در این شبکه‌ها غلبه کنند؛ پاسخ داده شود.

#### پرسش‌های پژوهش

- 1- زمینه‌های حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی از دیدگاه اساتید علم اطلاعات و دانش‌شناسی چیست؟
- 2- از دیدگاه اعضای هیئت علمی، رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی موانع فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی چه مواردی هستند؟
- 3- از دیدگاه اعضای هیئت علمی، رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی الزامات فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی چه مواردی هستند؟
- 4- از دیدگاه اعضای هیئت علمی، رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی چه عواملی بر فعالیت در شبکه‌های اجتماعی تاثیرگذارند؟
- 5- از دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، حضور در شبکه‌های اجتماعی چه تاثیری بر عملکرد علمی اعضا دارد.

#### روش پژوهش

این مطالعه کیفی، از نوع گراند تئوری نسخه اشتراوس و کوربین<sup>1</sup> است. گراند تئوری در ساده‌ترین شکل ممکن، عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه مدون از طریق گردآوری سازمان یافته داده‌ها، برای پاسخگویی به پرسش‌های نوین آن دسته از پژوهش‌های کیفی که فاقد مبانی نظری کافی در زمینه موضوع مورد مطالعه هستند؛ به کار گرفته می‌شود (منصوریان، 1386). نسخه اشتراوس و کوربین با به کارگیری مراحل خاص به صورت نظام مند، در نهایت به تئوری نهفته در داده‌ها دست یافته و آن را به صورت توضیحاتی درباره‌ی یک پدیده خاص ارائه می‌دهد. روش اصلی گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته فردی بود. روش نمونه‌گیری هدفمند بوده و معیار اصلی پژوهشگر در خصوص تعداد مصاحبه‌ها،

استفاده از مطلعین کلیدی، خود داده ها، طبقات، نظریه در حال ظهور و رسیدن به اشباع نظری<sup>1</sup> بود. در این مطالعه، تجزیه و تحلیل داده ها بر اساس تحلیل سه سطح کدگذاری اشتراوس و کوربین که شامل کد گذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است، صورت گرفت. اطمینان از صحت و استحکام داده ها از طریق مرور نوشته ها توسط مشارکت کنندگان، تلفیق منبع داده ها تلفیق روش، تأیید کدگذاری توسط همکاران آشنا با تحقیق کیفی، کدها و دسته بندی کدهای مشابه و طبقات، نسخه نویسی مصاحبه ها در اسرع وقت، استفاده از نظرات همکاران از جمله این اقدامات بود. علاوه بر این، پژوهشگر مستندات تحقیق را به دقت مکتوب کرد تا امکان ارزیابی توسط ناظر خارجی فراهم شود. رضایت آگاهانه از همه مشارکت کنندگان جهت شرکت در مطالعه و ضبط مصاحبه ها اخذ گردید. به مشارکت کنندگان در مورد محرمانه ماندن داده ها و آزاد بودن آن ها برای شرکت در مطالعه یا ترک مطالعه در هر زمانی که خواسته باشند، اطمینان داده شد.

یافته ها و نتایج

در این پژوهش از تعداد 14 مشارکت کننده، تعداد 8 نفر زن و 6 نفر مرد بودند. سن افراد مورد مطالعه بین 38 تا 54 سال با میانگین سنی 46/5 و میانگین سابقه کاری آنها 9/4 بود. از این تعداد، 12 نفر عضو شبکه های اجتماعی بودند که تعداد 8 نفر آنها به صورت مستمر و جدی در این شبکه ها فعالیت داشتند و 4 نفر فعالیت چندانی در این شبکه ها نداشتند. در مرحله کدگذاری باز (اولیه) مجموع متون مصاحبه ها، یادداشت های در عرصه و اسناد مربوطه کلمه به کلمه تایپ شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پژوهشگر هر متن را برای کسب درک اولیه به دقت خوانده، زیربیانات مهم آن خط کشیده و به صورت کدهایی (کدگذاری اولیه) ثبت نمود.

برای کدگذاری اولیه از کلمات خود مشارکت کنندگان و کدهای دلالت کننده (برداشت های پژوهشگر از گفته ها) استفاده گردید. در مجموع تعداد 1580 کد به دست آمد. اما با مقایسه مداوم داده ها، کدهای نامرتب حذف و کدهایی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر مشابه بودند، در یکدیگر ادغام گشته و از مجموع کدهای اولیه، تعداد 518 کد باقی ماند. سپس، کدهای اولیه مشابه در یک طبقه کنار هم قرار گرفته و بدین ترتیب طبقات اولیه شکل گرفتند. تحلیل حاصل از داده های جمع آوری شده از مشارکت کنندگان در این تحقیق، منجر به استخراج 5 طبقه اصلی شامل 1- زمینه های فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی، 2- چالش های فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی، 3- الزامات فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی، 4- عوامل موثر بر فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی، 5- تاثیر فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی بر عملکرد اعضا، 13 زیر طبقه و 65 طبقه اولیه گردید که هر کدام به نحوی تبیین کننده بخشی از فرآیند کلی

فعالیت اساتید علم اطلاعات و دانش شناسی در شبکه های اجتماعی علمی می باشند. جدول 1، طبقات، زیر طبقات و مقوله های به دست آمده از مرحله کدگذاری باز را نشان می دهد.

جدول 1- مفاهیم، مقولات و مقوله هسته ای استخراج شده از داده های خام

مفهوم	طبقه فرعی	طبقه (مقوله)	مقوله هسته
اطلاع از وضعیت رشته، آشنایی با مباحث روز، آشنایی با اساتید، جستجوی همکاری، اطلاع از دیدگاه سایرین، جستجوی همفکران، بیان اندیشه	تعامل ارتباطی	زمینه ها	
جستجوی مقالات، جستجوی پایان نامه ها، جستجوی طرح های پژوهشی، اطلاع از رویداد ها، طرح سوال، موضوع یابی	جستجوی دانش		
بارگذاری مقالات، شرکت در بحث های علمی، افزایش مشاهده پذیری، معرفی رشد رشته، ارتقاء فردی، ارتقاء دانشگاه، بازیابی با موتور جستجو، پاسخ به سوالات	اشتراک دانش		
کمبود تعداد اساتید، افزایش دوره های آموزشی، گستردگی موضوعات آموزشی اساتید، گستردگی دوره های آموزشی، تغییرات سرفصل های دروس نا آشنایی با شبکه های اجتماعی علمی، ناآشنایی با مقررات و قوانین، عدم آگاهی از نرم امکانات و قابلیت ها	کمبود وقت  عدم آگاهی و مهارت	چالش ها	جامعه پذیری علمی

<p>سواد فناوری اطلاعات، مهارت های اشتراک دانش، مهارت های ارتباط حرفه ای، مهارت بازیابی اطلاعات، مهارت سنجش و ارزیابی دانش، تجزیه و تحلیل دانش</p> <p>معرفی شبکه های اجتماعی علمی، معرفی مقررات و قوانین، برگزاری کارگاه آموزشی، اختصاص فرصت مطالعاتی، تعریف اپلیکیشن مناسب، حمایت از شکل های علمی</p> <p>برگزاری همایش، اطلاع رسانی و معرفی شبکه های اجتماعی، انجام فرایند عضویت، معرفی اساتید فعال، مستند سازی تجربیات</p> <p>گسترش و ایجاد شبکه های اجتماعی علمی داخلی، تغییر در سیاست های جذب هیئت علمی، تغییر در سیاست های رتبه بندی دانشگاه ها و اساتید</p>	<p>مهارت مدیریت دانش شخصی</p> <p>حمایت دانشگاه</p> <p>فعالیت تشکل های علمی</p> <p>حمایت دولت</p>	<p>الزامات</p>	
<p>نیاز به ارتباط علمی، نیاز به روز آمد سازی رزومه، نیاز به ارتقاء رتبه، انگیزه های معنوی</p> <p>جستجوی آسان، امنیت شبکه ها، امکانات ارتباطی، هویت یابی، بارگذاری خودکار، بارگذاری فرامنتی، رتبه بندی محققان، مدیریت استنادات</p>	<p>درک نیاز</p> <p>قابلیت های شبکه</p>	<p>عوامل موثر</p>	
<p>خلق ایده های علمی، پذیرش نوآوری های علمی، درک سریع تر تغییرات فناوری، عدم قناعت به</p>	<p>پویایی علمی</p>	<p>تاثیر شبکه ها بر عملکرد اعضا</p>	

<p>دانشته های پیشین علم باوری، استقلال فکری، علاقمندی به بزرگان رشته، اعتماد به دانش خود</p>	<p>ایجاد تفکر علمی</p>	
--	------------------------	--

#### زمینه ها

داده ها نشان داد که فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی زمینه های گوناگونی را شامل می شود؛ به این صورت که اساتید می توانند با توجه به هدف و انگیزه خود در زمینه های گوناگونی به فعالیت در این شبکه ها بپردازند. . یک استاد در این رابطه مطرح کرد: "هرکسی به دلیلی عضو شبکه های اجتماعی علمی می شود؛ من به عنوان یک استاد وظیفه خودم می دانم که اطلاعاتم را در زمینه وضعیت رشته، تحقیقات، پژوهشگران و افراد موثر به روز نگه دارم." اعضای هیئت علمی به منظور فعالیت در عرصه های علمی نیازمند افزایش اطلاعات و مهارت های خود هستند. در رشته ای مانند علم اطلاعات و دانش شناسی که تغییرات زیادی را در فصول و منابع درسی تجربه کرده است؛ این نیاز بیشتر احساس می شود. در این مورد یکی از اساتید می گوید: « یک استاد دانشگاه باید بتواند با اشتراک گذاری دانش خود، تاثیرگذاری خود را در رشته به اثبات برساند.»

#### چالش ها و مشکلات

مشارکت کنندگان معتقدند؛ استفاده از شبکه های اجتماعی علمی با مشکلاتی مواجه است که باید بر طرف شود. این در حالی است که براساس داده ها، اساتید اغلب درگیر امور آموزشی بوده و زمان کمتری را به انجام فعالیت های علمی و پژوهشی به طور کلی و فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی به طور ویژه اختصاص می دادند. چنانچه برخی اساتید علی رغم عضویت در شبکه های اجتماعی فرصت فعالیت در این شبکه ها را نداشتند. یک استاد در این رابطه مطرح کرد: "استاد باید وقتی برای ایجاد ارتباط با هم رشته ای های خود داشته باشد؛ اما، در کشور ما، بیشتر وقت اساتید صرف انجام امور آموزشی می شو." از سوی دیگر، لازمه فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی آشنایی با این ابزارها و داشتن مهارت های لازم برای استفاده از آنهاست. براساس نتایج، اساتید رشته علم اطلاعات و دانش شناسی آن چنان که باید شبکه های اجتماعی علمی را نمی شناسند و مهارت لازم برای استفاده از این ابزارها را ندارند. یک استاد در این رابطه بیان می کند: « در یکی دو شبکه اجتماعی از جمله لینکدین<sup>1</sup> و ریسرچ گیت عضو هستم، اما هنوز مقالاتم را در این شبکه ها بارگذاری کرده ام ، چون قوانین حق تالیف این شبکه ها را نمی شناسم.»

## الزامات

زوهانگ<sup>1</sup> معتقد است که مدیریت دانش شخصی مجموعه ای از مهارت های حل مسئله است که اجزای مفهومی، منطقی یا عملی دارد (زوهانگ، 2013). چگونگی سازماندهی، اشتراک و به کارگیری دانش؛ نیازمند مهارت هایی است که مشارکت کنندگان پژوهش، آن را شامل: سواد فناوری اطلاعات، مهارت های اشتراک دانش، مهارت های ارتباط حرفه ای، مهارت بازاریابی اطلاعات، مهارت سنجش و ارزیابی دانش، تجزیه و تحلیل دانش، دانسته اند و این مهارت ها را از الزامات اصلی فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی می دانند. یکی از مشارکت کنندگان در این زمینه می گوید «برای فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی شیوه های سازماندهی، ذخیره و اشتراک گذاری دانش بسیار کارآمد است».

اساتید برای انجام فعالیت های خود به حمایت دانشگاه های تابعه خود نیازمند هستند؛ این حمایت گاهی به صورت ارائه آموزش های لازم و گاهی به صورت دسترس پذیر ساختن امکانات و نرم افزارها و گاهی به صورت دادن امتیاز و تشویق های معنوی و مادی به اساتید صورت می گیرد. چنانچه یکی از اساتید که در هیچ کدام از شبکه های اجتماعی علمی عضو نبود گفت: «دانشگاه همواره در زمینه تولید علم و افزایش ضریب تاثیر مقالات در پایگاه های اطلاعاتی جهانی و منطقه ای ما را حمایت کرده است، ولی در این مورد بنده تا کنون ندیده ام که دانشگاه برنامه ای برای آموزش یا تشویق اساتید داشته باشد. تشکل های علمی می توانند با ایجاد ارتباط بین اساتید یک رشته یا یک دانشگاه شبکه ارتباطی مناسبی را به وجود آورند و با معرفی ابزارهایی همچون شبکه های اجتماعی این ارتباط را گسترش داده و به خارج از مرزهای کشور بکشانند. مشارکت کننده ای در این زمینه بیان می کند: «بسیاری از اساتید شبکه های اجتماعی را نمی شناسند؛ این وظیفه انجمن های علمی است، که با برگزاری کارگاه ها و همایش های علمی شبکه های اجتماعی را به اساتید بشناسانند».

از آنجا که بیشتر دانشگاه های کشور دولتی هستند و علاوه بر این دولت با استفاده از دو وزارتخانه متولی آموزش عالی در کشور، ساز و کارهای قانونی و اجرایی دانشگاه ها را هدایت می کند؛ از نقش تاثیر گذار دولت در هدایت اساتید به سمت فعالیت در شبکه های اجتماعی نمی توان غفلت ورزید. یکی از مشارکت کنندگان در این زمینه می گوید «در حال حاضر، شاخص های علم سنجی که با آن دانشگاه ها و اساتید کشورمان مورد ارزیابی قرار می گیرند جامع و کامل نیست؛ لازم است دولت از شاخص های جامع تری برای رتبه بندی دانشگاه ها و ارتقاء اساتید استفاده کند».



مشارکت کننده دیگری با تاکید بر لزوم ایجاد شبکه های اجتماعی علمی داخلی می گوید: «ارتباط علمی در بین اساتید کشور، آن چنان که باید جریان ندارد؛ اگر بخواهیم ارتباط علمی را با جامعه جهانی برقرار کنیم؛ قبل از هر چیز باید شبکه های اجتماعی علمی در داخل کشور ایجاد کنیم».

عوامل موثر

بیشتر مشارکت کنندگان پژوهش، استفاده از شبکه های اجتماعی علمی را یک نیاز واقعی در موقعیت شغلی و حرفه ای خود می دانستند؛ مشارکت کننده ای در این زمینه می گوید: «من در 3 شبکه اجتماعی عضو هستم؛ در هر کدام از این شبکه ها می توانم با افرادی که هم رشته من یا در رشته های مرتبط با رشته من هستند؛ ارتباط برقرار کنم». مشارکت کننده دیگری می گوید: «وقتی مقالاتم را در شبکه اجتماعی بارگذاری می کنم؛ مطمئن هستم که هر زمان بخواهم می توانم به آنها دسترسی داشته باشم».

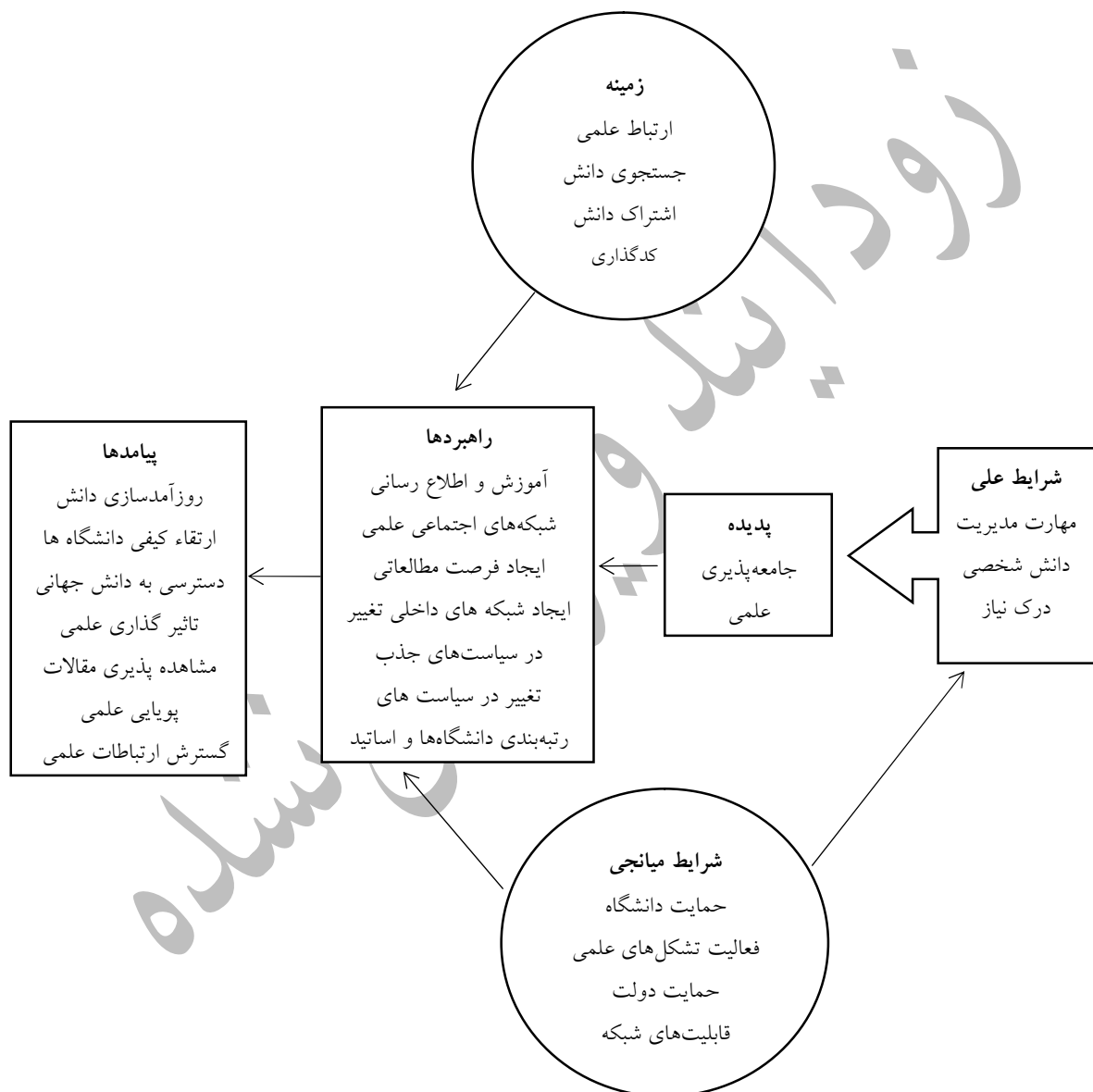
اکثر مشارکت کنندگان به تاثیر قابلیت های شبکه های اجتماعی بر فعالیت اساتید و پژوهشگران در این شبکه ها اشاره کرده اند. یکی از مشارکت کنندگان در این زمینه می گوید: «بنده پژوهش های زیادی را در زمینه فناوری اطلاعات انجام داده ام، شبکه اجتماعی مرا به همفکرانم معرفی کرده و برای من هویت آفرینی می کند». پژوهشگر دیگری با تاکید بر تاثیر قابلیت های متمایز شبکه های اجتماعی علمی می گوید: «طبیعی است که پژوهشگران از شبکه هایی استفاده کنند که فناوری های روز را در اختیار دارند؛ شبکه ای که امکان بارگذاری خودکار را فراهم می کند یا فرامتن را راحت تر پشتیبانی می کند، بیشتر مورد استقبال واقع می شود».

تاثیر بر عملکرد اعضا

از دیدگاه مشارکت کنندگان، فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی، دیدگاه آنان را نسبت به علم به طور کلی تغییر می دهد و روحیه علمی را به اعضا وارد کرده و بر عملکرد نهایی آنان تاثیر می گذارد. در این زمینه یکی از مشارکت کنندگان می گوید: «فعالیت در شبکه های اجتماعی مثل حضور در همایش های علمی موجب پویایی رشته و به طور کلی پویایی علم می شود». مشارکت کننده دیگری عنوان کرد: «به شخصه معتقدم ایده های علمی در محیط های اجتماعی علمی به وجود می آیند که شبکه های اجتماعی علمی چنین محیطی را ایجاد می کنند».

در مرحله کدگذاری محوری که لازمه آن مقایسه دائمی داده هاست، داده های کدگذاری شده با یکدیگر مقایسه شده و به صورت خوشه ها یا مقوله هایی که با هم تناسب دارند، در آورده شدند و سپس نامی که متناسب با آن طبقه بود، بدان اختصاص داده شد. در این مرحله برای سهولت دستیابی به فرآیند نهفته در

داده ها از پارادایم کدگذاری اشتراوس و کوربین (زمینه، شرایط علی، شرایط مداخله کننده، راهبردهای عملی / تعاملی و پیامدها) استفاده شد. براین اساس در این مرحله از کدگذاری تلاش شد تا کدها علاوه بر خصوصیات و ابعاد مشترک بر اساس شرایط، کنش و واکنش (راهبردها) و پیامدهای حاصله حول محور مشترک قرار گیرند؛ به عبارت دیگر در این مرحله، با برقراری پیوند میان مقوله ها، اطلاعات به شیوه جدیدی با یکدیگر پیوند می یابند. پیوند میان مقوله های اصلی و ابعاد شناخته شده در پژوهش، در شکل 1 نشان داده شده است.



شکل 1. مدل پارادایمی یا نمونه بصری پژوهش

در مرحله کدگذاری انتخابی محقق به دنبال طبقه مرکزی و فرآیند موجود در داده ها بود. مرور مکرر داده ها، کدها و طبقات پدیدار شده، یادآورنویسی ها، نمودارها و نوشتن داستان اصلی کمک کرد تا محقق طبقه

مرکزی این مطالعه را مشخص کند. به منظور اعتبار داده ها از معیارهای پیشنهادی لینکولن و گودا استفاده گردید و در نهایت مقوله جامعه پذیری علمی به عنوان مقوله هسته استخراج گردید (استراس و کوربین، 1385). اسکات، جامعه پذیری را فرایندی از آموزش برای تبدیل به موجودی اجتماعی و عضوی از جامعه توصیف کرده است و آن را فرایند مستمری می داند، که طی آن هویت اجتماعی و نقش ها ساخته می شوند. (اسکات<sup>1</sup>، 2006). جامعه پذیری از دو بخش نخستین و دومین تشکیل می شود. جامعه پذیری نخستین از آغاز و در سال نخستین زندگی صورت می گیرد و طی آن کودکان به افزودن دانش و مهارت هایی که برای تبدیل شدن به عضوی از جامعه به آن ها نیاز دارند، می پردازند. افراد انسانی در طول زندگی در جریان نیز، جامعه پذیری، هویت شغلی، هویت حرفه ای، هویت علمی و... را کسب می کنند (کوئن، 1370). اصطلاح «جامعه پذیری علمی» روح علمی نهفته در مناسبات اجتماعی را تداعی می کند که طی فرایند جامعه پذیری به اعضای جامعه منتقل می گردد. در واقع در جریان جامعه پذیری علمی، افراد هویت علمی خود را تثبیت کرده و ویژگی های جامعه علمی را کسب می کنند (قانع راد، 1385).

#### نتیجه گیری

نقطه تمایز این پژوهش را با دیگر پژوهش های انجام شده در این حوزه می توان در به کار گیری روش کیفی (گراند تئوری) دانست؛ مضمون هایی که از داده های این مطالعه ظهور یافته اند؛ همگی پیرامون دیدگاه اعضای هیئت علمی علم اطلاعات و دانش شناسی پیرامون شبکه های اجتماعی علمی و بر اساس اهداف مطالعه یعنی توصیف دیدگاه های اساتید درباره زمینه ها، الزامات، چالش ها و عوامل موثر بر فعالیت در شبکه های اجتماعی بود.

با توجه به سوال اول تحقیق (زمینه های حضور در شبکه های اجتماعی علمی از دیدگاه اساتید علم اطلاعات و دانش شناسی، زمینه های فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی یکی از طبقات اصلی ظاهر شده از داده ها بود. براین اساس، اطلاع از وضعیت رشته، آشنایی با مباحث روز، آشنایی با اساتید، جستجوی همکاری، اطلاع از دیدگاه سایرین، حضور در جامعه علمی، جستجوی مقالات، جستجوی پایان نامه ها، جستجوی طرح های پژوهشی، اطلاع از رویداد ها، طرح سوال، موضوع یابی، افزایش استناد، افزایش مشاهده پذیری، افزایش مشاهده پذیری، معرفی رشد رشته، ارتقاء افراد، ارتقاء دانشگاه، بازیابی با موتور جستجو، پاسخ به سوالات از جمله زمینه های فعالیت اساتید در شبکه های اجتماعی علمی است. که در قالب 3 مقوله تعامل ارتباطی، جستجوی دانش و اشتراک دانش دسته بندی شدند. اعضای هیئت علمی در همه رشته ها و گرایش ها نیازمند به روز رسانی دانش خود و حضور در مجامع علمی، به صورت حضوری و غیر حضوری هستند. ارتباطات علمی از دو مجرای رسمی و غیر رسمی صورت می گیرد. در ارتباطات

رسمی انتقال اطلاعات به طور غیر مستقیم و به وسیله واسطه هایی مانند کتابها و نشریات صورت می گیرد در حالی که در مجرای غیر رسمی، اطلاعات به طور مستقیم و بدون واسطه انتقال می یابد (لنکستر و اسمیت، عمده ترین مصداق ارتباطات غیر رسمی بین دانشمندان را می توان دانشکده نامرئی دانست. این گونه ارتباطات می تواند اساس شکل گیری اندیشه های جدید و حتی شاخه های جدید در علم قرار گیرند. شکل امروزی ارتباطات غیررسمی در قالب دانشکده نامرئی الکترونیکی را می توان در شبکه های اجتماعی علمی جستجو کرد. در رشته هایی مانند علم اطلاعات و دانش شناسی که متأثر از فناوری های جدید است؛ به روز رسانی دانش؛ نیازمند تلاشی مضاعف است. از سوی دیگر، مباحث بین رشته ای که نیازمند ارتباط پژوهشگران و اساتید رشته های مختلف است؛ در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی کاربرد زیادی دارد. از این رو؛ اساتید این رشته با درک نیاز به حضور در شبکه های اجتماعی علمی آن را به عنوان مسیری برای به روز رسانی دانش خود برگزیده اند. حریری و عنبری (1391) نیز معتقدند؛ تبادل اطلاعات علمی و تخصصی میان افراد جامعه و بهره گیری از خرد جمعی که به ارتباطات علمی می انجامد، به طور بالقوه ظرفیت تولید دانش را افزایش می دهد؛ رودباری، نرگس (1395) نیز، نشان داد؛ به اشتراک گذاری مقالات توسط اعضای هیات علمی، ارتباط با دوستان و محققان آشنا، هدف عمده ی پیوستن آنها به این شبکه ها می باشد. اما پژوهش میرزایی، مریم (1395) نشان داد؛ استفاده از شبکه های اجتماعی در بین دانشجویان رایج است. اما این استفاده در تبدلات علمی دانشجویان اثرگذار نیست. این تفاوت نشانگر درک و دریافت متفاوت اساتید علم اطلاعات و دانش شناسی از شبکه های اجتماعی علمی است.

کلی و دلسال در پژوهشی با هدف شناسایی دلایل استفاده از شبکه های علمی توسط پژوهشگران، تعداد داندلود مقاله ها را در 2 سایت علمی (لینکدین و آکادمیا) در بین پژوهشگران 20 دانشگاه، بررسی و تجزیه و تحلیل کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که مهم ترین انگیزه پژوهشگران رویت پذیری مقالات است. همچنین نتایج نشان داد که رویت پذیری مقالاتی که در این سایت ها بارگذاری می شوند بیشتر از سایر مقالات است. و وجود شبکه های علمی موجب بهبود موتورهای جستجو می شود (کلی و دلسال<sup>1</sup>، 2012). حریری و عنبری (1394) در پژوهشی نشان دادند که هدف اصلی کاربران از عضویت در شبکه ها آشنایی با سایر فعالان و متخصصان حوزه های مورد نظر است.

از دیدگاه جامعه پژوهش، فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی الزاماتی را می طلبد و افراد برای حضور در این شبکه ها باید تلاش کنند؛ مهارت ها و آگاهی هایی درباره شبکه های اجتماعی علمی کسب کنند؛ اما حمایت دانشگاه ها، تشکل های علمی و حمایت دولتی برای فعالیت و تاثیرگذاری در شبکه های اجتماعی علمی لازم است. بر این اساس، افراد برای حضور در شبکه های اجتماعی علمی نیازمند افزایش مهارت های سواد فناوری اطلاعات، مهارت های اشتراک دانش، مهارت های ارتباط حرفه ای، مهارت بازیابی اطلاعات،

---

<sup>1</sup> - Kelly & Delasalle

مهارت سنجش و ارزیابی دانش، تجزیه و تحلیل دانش هستند که در مقوله مهارت های مدیریت دانش شخصی شناسایی شد. به طور کلی، عملکرد شبکه های اجتماعی در رفع نیاز اطلاعاتی کاربران، وابسته به هدف آنها از عضویت در این شبکه ها و میزان فعالیت آنهاست. چنانچه برخورداری از مهارت های لازم در زمینه اشتراک مقالات و شرکت در بحث های علمی؛ موجب ترغیب بیشتر اعضا در ماندن در شبکه های اجتماعی علمی و تاثیرگذاری آنها بر فضای علمی شبکه می شود.

(فهمی نیا، فاطمه؛ منتظری (1392)). در پژوهشی رفتار خود آرشیوی اعضای هیئت علمی علم اطلاعات و دانش شناسی در ایران و انگیزه ها و موانع مؤثر بر این رفتار مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج پژوهش، از بین 10 عامل تنها مؤلفه شناخت حرفه ای در سطح معنی داری % 95 اطمینان قادر به پیش بینی میزان خودآرشیوی تولیدات علمی اعضا در وبسایت های دسترسی آزاد می باشد. بارایلان<sup>1</sup> و همکاران (2012) ارتباط معنی داری بین تعداد دفعات رویت پژوهشگران در شبکه های اجتماعی و تعداد اسنادهای کسب شده آنان در نمایه استنادی گزارش کردند.

دانشگاه ها می توانند با معرفی شبکه های اجتماعی علمی، معرفی مقررات و قوانین، برگزاری کارگاه آموزشی، اختصاص فرصت مطالعاتی، تعریف اپلیکیشن<sup>2</sup> مناسب، اساتید را به سمت حضور و فعالیت بیشتر در شبکه های اجتماعی علمی سوق دهند. در زمینه فعالیت های علمی اساتید آنچه کمتر مورد توجه واقع شده است؛ نقش تشکل های علمی است؛ نتایج این پژوهش نشان داد که تشکل های علمی می توانند با برگزاری همایش، اطلاع رسانی و معرفی شبکه های اجتماعی، انجام فرایند عضویت، معرفی اساتید فعال، مستند سازی تجربیات اساتید، نقش پر رنگی در تشویق و ترغیب اساتید به استفاده از شبکه های اجتماعی علمی داشته باشند. با توجه به دولتی بودن بیشتر دانشگاه های کشور و نقش تأثیرگذار وزارتخانه های علوم و بهداشت در سیاستگذاری های کلان علمی، از نقش دولت در این زمینه نمی توان غافل شد؛ بر اساس نظر مشارکت کنندگان پژوهش، دولت می تواند با توسعه امکانات نرم افزاری، گسترش و ایجاد شبکه های اجتماعی علمی فارسی، تغییر در سیاست های جذب هیئت علمی، تغییر در سیاست های رتبه بندی اساتید و دانشگاه ها در استفاده بیشتر از شبکه های اجتماعی علمی تاثیر گذار باشد.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش، «از دیدگاه اعضای هیئت علمی، رشته علم اطلاعات و دانش شناسی موانع فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی چه مواردی هستند.» از دیدگاه مشارکت کنندگان، فعالیت در شبکه های اجتماعی علمی با مشکلات و چالش های فراوانی همراه است که مهم ترین آنها را کمبود وقت و عدم آگاهی و مهارت دانسته اند. مشارکت کنندگان کمبود وقت را به عواملی همچون کمبود تعداد اساتید، افزایش دوره های آموزشی، گستردگی موضوعات آموزشی اساتید، گستردگی دوره های آموزشی، تغییرات

1- Bar-Ilan,

<sup>2</sup>. نوعی نرم افزار کامپیوتری است که برای استفاده کاربر نهایی (End-User) طراحی می شود.

سرفصل‌های دروس مرتبط و عدم آگاهی و مهارت را وابسته به عواملی همچون؛ عدم آشنایی با شبکه‌های اجتماعی علمی، عدم آشنایی با مقررات و قوانین، عدم آگاهی از نرم‌امکانات و قابلیت‌ها، لزوم به‌روزرسانی اطلاعات وابسته دانسته‌اند. با توجه به اهمیت حضور پژوهشگران در شبکه‌های اجتماعی علمی، غلبه بر چالش‌های موجود می‌تواند زمینه حضور بیشتر و موثرتر اساتید دانشگاه‌ها به ویژه رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی را فراهم آورد. به نظر می‌رسد، غلبه بر این چالش‌ها، نیازمند تغییرات ساختاری در شیوه‌های تدریس و پژوهش در دانشگاه‌هاست.

از دیدگاه مشارکت‌کنندگان درک نیاز فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی و قابلیت‌های شبکه‌ها از عوامل موثر در استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی است. اعضای هیئت علمی چنانچه احساس کنند برای افزایش ارتباط علمی، روزآمدسازی و ارتقاء رتبه نیاز به فعالیت در شبکه‌های اجتماعی علمی دارند؛ به این شبکه‌ها روی می‌آورند؛ سعادت، یاسمین (1393) بالا بودن مدارک تحصیلی اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی و استقبال گسترده مدرسین دانشگاه از این شبکه‌ها را تصدیقی بر نیاز علمی پژوهشگران به استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی می‌داند. هر چند انگیزه‌های معنوی از جمله، علاقمندی به رشته و علاقمندی به پژوهش در این میان بی‌تاثیر نیست. شبکه‌های اجتماعی علمی از قابلیت‌های یکسانی برخوردار نیستند؛ بعضی از شبکه‌ها قابلیت‌های بیشتری دارند و می‌توانند کاربران را در دست یافتن به اهداف خود یاری کنند. جستجوی آسان، امنیت شبکه، امکانات ارتباطی، هویت‌یابی، بارگذاری خودکار، بارگذاری فرامتنی، رتبه‌بندی محققان، مدیریت اسنادات از جمله قابلیت‌هایی است که پژوهشگران رابه استفاده از این شبکه‌های اجتماعی ترغیب می‌کند. در پژوهش بتولی، زهرا (1393) قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی تحقیقاتی در هشت گروه مقوله‌بندی شدند که عبارتند از: معرفی محقق و شناسایی محققان، برقراری ارتباط و همکاری با محققان، اشتراک اطلاعات، یافتن اطلاعات، مدیریت منابع و اسنادات، روزآمدنگه داشتن محقق، رتبه‌دهی و تنظیمات شبکه‌شناسایی شدند. مطالعه مک میلان<sup>1</sup> (2012) نشان داد؛ ویژگی‌های شبکه‌مندلی، مشارکت و تعامل بین پژوهشگران را در راستای به اشتراک گذاری دانش تسهیل می‌کند. بارایلان<sup>2</sup> و همکاران (2012) ارتباط معنی‌داری بین تعداد دفعات رویت پژوهشگران در شبکه‌های اجتماعی و تعداد اسنادهای کسب شده آنان در نمایه استنادی گزارش کردند. در پاسخ به سوال پنجم پژوهش "از دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، حضور در شبکه‌های اجتماعی چه تاثیری بر عملکرد علمی اعضا دارد". انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی طی فرایندی روی می‌دهد که اصطلاحاً «جامعه‌پذیری» نامیده می‌شود. بروس کوئن<sup>3</sup> جامعه‌پذیری را فرایندی می‌داند که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی در جامعه خود را یاد می‌

<sup>1</sup> - MacMillan

<sup>2</sup> - Bar-Ilan,

<sup>3</sup> -Choan, Bross

گیرند(کوئن، 1370). اگر چه جامعه پذیری در مراحل مختلف خود از روند متفاوتی برخوردار است؛ اما فرایندی دائمی است. مهم ترین کارکرد جامعه پذیری، حاکمیت ارزش ها بر کنش های اجتماعی اعضاست. ارزش های علمی نیز طی فرایندی مشابه بین یک جامعه انتقال یافته و تسری پیدا می کنند که «جامعه پذیری علمی نامیده می شوند. جامعه پذیری علمی نیز نیازمند حضور و فعالیت مداوم اعضا در اجتماع علمی است.

#### پیشنهادات پژوهش

از مقوله های مهم تاثیر گذار بر مقوله هسته شناسایی شده در پژوهش (جامعه پذیری علمی مهارت مدیریت دانش شخصی و درک نیاز استفاده از شبکه های اجتماعی علمی بود. لذا بایستی اعضای هیئت علمی، ضمن درک نیاز روز افزون حضور در جوامع علمی مجازی، بر افزایش مهارت های خود در زمینه مدیریت دانش شخصی اهتمام ورزند.

با توجه به تاثیر حمایت دانشگاه، فعالیت تشکل های علمی، حمایت دولت در فعالیت اعضای هیئت علمی در شبکه های اجتماعی علمی، انتظار می رود؛ دولت با استفاده از اهرم قوانین و مقررات زمینه حضور بیشتر اعضای هیئت علمی را در شبکه های اجتماعی علمی فراهم آورد. حمایت از تشکل های علمی مانند انجمن های علمی دانشگاهی در زمینه برگزاری همایش ها و کارگاه های علمی و همچنین پشتیبانی نرم افزاری با ایجاد ساز و کارهای مناسب، در این زمینه پیشنهاد می شود.

توجه به راهکارهای ارائه شده توسط مشارکت کنندگان پژوهش، از جمله: آموزش و اطلاع رسانی شبکه های اجتماعی علمی، ایجاد فرصت مطالعاتی، ایجاد شبکه های داخلی تغییر در سیاست های جذب، تغییر در سیاست های رتبه بندی دانشگاه ها و اساتید، به عنوان راهکارهایی ارائه شده از سوی خبرگان علمی جامعه پیشنهاد می شود.

#### مآخذ

استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (1385) اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی: رویه ها و روش ها، بیوک محمدی؛ مترجم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بتولی زهرا، نظری مریم. بررسی قابلیت های شبکه های اجتماعی تحقیقاتی جهت تسهیل فعالیت های پژوهشی از منظر پژوهشگران حوزه ی علوم پزشکی ایران. پیآورد سلامت. 1393؛ 8 (4): 316-331

حریری، نجلا و عنبری، امیرمهدی. (1391). سنجش قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی تخصصی وی‌بی فارسی و ارائه راهکارهای مناسب برای بهینه‌سازی این شبکه‌ها در ایران. پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، 28(2)، 455-477.

رودباری، نرگس (1395) بررسی میزان استفاده اعضای هیات علمی دانشگاه ارومیه از شبکه‌های اجتماعی علمی و نقش آنها در تامین نیازهای اطلاعاتی؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ ارومیه، دانشگاه الزهرا. سعادت، یاسمین (1393) بررسی گرایش شیمیدان‌های ایرانی به عضویت در شبکه‌های اجتماعی علمی بر پایه ویژگی‌ها، تولید علم و بازشناخت آنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

فهیمی نیا، فاطمه و منتظری، فرشته (1392) انگیزه و موانع مؤثر در رفتار خودآرشیوی اعضای علمی علم اطلاعات و دانش‌شناسی، انسان و تعامل اطلاعات 21(2) 118-125.

قانع‌راد، محمد امین (1385) تعاملات و ارتباطات در جامعه علمی-بررسی موردی در رشته علم و اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

کونن، بروس (1370) درآمدی بر جامعه‌شناسی؛ ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.

میرزایی، مریم، رحیمی، صالح، مرادی، محمود. (1395). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در تبادلات علمی (مطالعه موردی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه رازی). (فصلنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، 19 شماره 1 (پیاپی 73)، 108-130.

منصوریان، یزدان (1386) گراند تئوری چیست و چه کاربردهایی دارد؟ همایش چالش‌های علم اطلاعات، دانشگاه اصفهان، اصفهان: چالش‌های علم اطلاعات، 9 و 10 خرداد ماه 1386.

یعقوبی ملال، نیما، ریاحی‌نیا، نصرت و کیان، مرجان. (1394). واکاوی نقش و کاربرد شبکه‌های اجتماعی برای دانشجویان. مجموعه مقالات همایش ملی شبکه‌های اجتماعی مجازی بستری برای آموزش و یادگیری. تهران، 22 اردیبهشت 1394، دانشگاه علامه طباطبائی

Bar-Ilan, J.; Haustein, S.; Peters, I.; Priem, J.; Shem, H.; Terliesner, J. (2012). Beyond Citations: Scholars Visibility on the Social Web. Paper Accepted to 17th International Conference on Science and Technology Indicators, Montreal, Canada. Retrieved December 25, 2012 from arxiv

Website: <http://arxiv.org/ftp/arxiv/papers/1205/1205.5611.pdf>

Boyd DM & Ellison NB(2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. Journal of Computer-Mediated Communication ; 13(1): 210-30.

Li, Xueme, Thelwall, Mike and Giustini, Dean. (2012). Validating Online Reference Managers for Scholarly Impact Measurement. Scientometrics, 91(2), 461-471.

MacMillan D.(2012) Mendeley: Teaching scholarly communication and collaboration through social networking. Library Management; 33(8-9): 561-9.

Scott, John.(2006).Sociology-The key concepts.London : Routledge.

Thelwall, Mike & Kousha, Kayvan. (2013). Academia.edu: Social Network or Academic Network? Journal of the American Society for Information Science and Technology, 65(4), 721-731.

Zhuang, Shuying.(2013). Personal Knowledge Management and Mlearning in the Learning Society. International Conference on Science and Social Research,101-105.



استناد به این مقاله:

شریف مقدم، هادی؛ میری، انیس؛ سلامی، مریم (زودآیند). دیدگاه اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی درباره حضور در شبکه های اجتماعی علمی. مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات،

زودآیند ویرایش نشده